

تبیین نقش اقتصاد سرمایه داری و فضای جریان ها در ظهور و نقش آفرینی شهرهای جهانی

محمد صادقی* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
دکتر حسین ربیعی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
دکتر مرتضی قورچی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
دکتر عطاءالله عبدی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

چکیده

بدنبال شیوه تولید پست فوردیسم، شبکه های جهانی تولید بوجود آمده که نیازمند خدمات پیشرفته و زیر ساخت های تکنولوژیک برای مدیریت آنهاست. این خدمات اغلب پیچیده، تمایل به خوشه بندی در تعداد محدودی از شهرها دارند که در واقع شهرهای جهانی هستند. شهرهای جهانی، از مزایای رقابتی قابل توجهی برخوردارند و به عنوان کانون های قدرتمند جذب سرمایه در اقتصاد جهانی عمل می کنند. با توجه به اهمیت روز افزون این شهرها در اقتصاد جهانی و رقابت شدید شهرهای بزرگ جهان برای تبدیل شدن به شهر جهانی، در این مقاله نقش اقتصاد سرمایه داری و فضای جریان ها شکل گیری و نقش آفرینی شهرها در سطح جهانی تبیین شده است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که اقتصاد سرمایه داری و تحولات مرتبط با آن منجر به جهانی شدن اقتصاد، شکل گیری شبکه ای از تجارت جهانی، پست فوردیسم و برون سپاری تولید در فضای جهانی، شهری شدن سرمایه و نیاز به استقرار شرکت های بزرگ چند ملیتی در شهرهای خاص شده است. فضای جریان ها نیز بواسطه شبکه ای شدن جهان و درهم تنیدگی شدید فعالیت و اقتصاد جهانی نیازمند نقاط گره گاهی برای کنترل شبکه ارائه خدمات پیشرفته پشتیبانی است که این شهرهای جهانی این نقاط گره گاهی را می سازند. بنابراین شهرهای جهانی در بستر اقتصاد سرمایه داری معاصر به عنوان پایگاه مکانی پیوندهای جهانی فضای جریان ها امکان ظهور پیدا می کنند.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، سرمایه داری، فضای جریان ها، شهر جهانی.

۱. مقدمه

شهرها از دیرباز در کانون تحولات عمده تاریخ بشری قرار داشته اند. آنها نه تنها با پسرکرانه های محلی خود تعامل داشته اند بلکه به مرور با سایر شهرهای دیگر در یک رابطه سلسله مراتبی وارد عرصه های مناسبات اقتصادی و اجتماعی نیز شده اند. بعد از شکل گیری پیمان و ستفالیای در سال ۱۶۴۸ میلادی و ظهور دولت-ملت ها در صحنه بین المللی، حضور و نقش شهرها در این فضا کم رنگ شد و به جای آن دولت ها وارد عرصه بازیگری در نظام بین الملل شدند. این روند تا اواخر قرن بیستم در چارچوب گفتمان اقتصاد فوردیسی ادامه یافت، اما با تحولات گسترده ای که در نظام سرمایه داری و تجدید ساختار آن از اقتصاد فوردیسم به پست فوردیسم منتهی شد، شهرها به مرور نقش و کارکرد گذشته خود را در مناسبات بین المللی باز یافتند و وارد عرصه بازیگری در نظام بین الملل شدند. با شکل گیری چنین روندی، عده ای آن را تحت عنوان فضای جریان های تعبیر کردند که پایه اصلی جهانی شدن معاصر است. با گسترش و شبکه هایی که با استفاده از تکنولوژی ارتباطات شکل گرفته است برای شهرها و به ویژه کلان شهرها این امکان بوجود آمده است که در پیوند با شبکه ها، وارد عرصه فضای جریان ها شوند و درون شبکه جایگاهی را برای خود در اقتصاد جهانی کسب کنند. این جایگاه می تواند وزن و اهمیت کلان شهرها را در اقتصاد جهانی تعیین کند. بنابراین می توان گفت شهرها در چارچوب شبکه و پیوندهای مکانی در جهانی شدن معاصر، می توانند وارد فضای جریان ها شده و درون شبکه برای خود جایگاهی را کسب نمایند. به مجرد اینکه یک کلان شهر در ارتباط با پیوندهای شبکه ای جهانی قرار می گیرد از سطح یک بازیگر محلی به سطح یک بازیگر فراملی ارتقاء می یابد (Ghourchi & khaniha, 2016:525) و ادعای اقتدار سیاسی بین المللی کرده و وارد تعامل با سیاست جهانی می شوند (Curtis, 2017:57). ظهور شهرهای جهانی یکی از مهمترین نمودهای فضایی جهانی شدن هستند که دارای نفوذ و قدرت عمل فراکشوری و جهانی هستند. به تعبیر دیوید هاروی شهرها به عنوان واحدهای ژئوپلیتیک، بازتاب کننده خطوط اصلی قدرت و نفوذ اقتصادی هستند و آنها را ماشین سیاسی قدرتمندی

می‌داند که قادر به جمع‌آوری آرا و سایر اشکال و منابع قدرت نظیر قدرت اقتصادی، فرهنگی و نوآوری به عنوان ابزار سلطه بر دیگر مناطق است. به همین دلیل وی رقابت میان مناطق شهری را مبارزه ژئوپلیتیکی قلمداد کرده است (Harvey, 238). دستیابی به موقعیت شهر جهانی موضوع اصلی رقابت و کشمکش شهرهای بزرگ شده است. جهت استفاده از مزایای همگرایی با فضاهای فراملی جریان‌ها، به شکل احتمالی تمام شهرهای بزرگ از لحاظ جمعیتی که هدف آنها طرح ریزی استراتژی‌های رونق‌گرای و کارآفرین‌گرای شهری در مقیاس بین‌المللی است، مجاز به رقابت با هدف دستیابی به چنین موقعیتی هستند. سیاست تبدیل به شهر جهانی با اشاره به این ایده قابل توجه است که جهانی شدن، تکثیر مقیاس‌های سیاسی جغرافیایی و فضامندی‌ها را بسط داده و راه را برای ظهور محل‌های مرکزی در حال ظهور هموار کرده است (Vanolo, 2016: 107).

با توجه به اهمیت رو به گسترش شهرهای جهانی امروزه دستیابی به موقعیت شهر جهانی موضوع اصلی رقابت و کشمکش شهرهای بزرگ شده است. کشورها برای حضور در صحنه اقتصاد جهانی و جذب سرمایه و منابع مختلف در بازار بشدت رقابتی جهان نیازمند شهرهای جهانی هستند که در شبکه شهرهای جهانی نقش آفرینی فعالی داشته باشند. شهرهای جهانی مکان‌های استراتژیکی هستند که به عنوان گره‌های اقتصاد جهانی به ایفای نقش می‌پردازند و مکان‌های بسیار مهمی برای نمایش قدرت سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شوند. با توجه به نقش شهرهای جهانی در توسعه و پیشرفت کشورها، شناسایی شهرهایی که توان بالقوه تبدیل شدن به شهر جهانی دارند از اهمیت زیادی برخوردار است. ورود شهرهای جدید به عرصه بازیگری جهانی و نقش آفرینی در عرصه بین‌المللی نیازمند حرکت در مسیر و بسترهای مشخصی است لذا در سطح جهانی هر شهر بزرگ به لحاظ جمعیتی یا اقتصادی تبدیل به شهر جهانی نمی‌شود. مطالعات اندکی در زمینه بنیان‌های تئوریک این موضوع و به طور خاص نقش اقتصاد سرمایه‌داری و فضای جریان‌ها در ظهور شهرهای جهانی صورت گرفته است. با این توصیف، این پژوهش بدنبال تبیین تئوریک و پاسخگویی به این سوال است که: شهرهای جهانی در چه فضا و بستری زمینه ظهور و نقش آفرینی پیدا می‌کنند؟

۲. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی می باشد. داده های لازم برای استدلال و پاسخ به سوال پژوهش از منابع کتابخانه ای گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است و نتیجه گیری پایانی پژوهش نیز به روش کیفی می باشد

۳. ادبیات و مبانی نظری

۳-۱ جهانی شدن و شهر

شهرها در ابتدای شکل گیری خود محصور در قلمروهای پیرامونی بوده و بیشتر با پسرکانه های خود در سطح محلی تعامل داشتند. از این رو هر شهری حوزه ی نفوذ خاصی و محدودی داشت (soja,2000:35). اما تغییرات عمیق در ترکیب، جغرافیا و چهارچوب نهادهای اقتصاد جهانی برای شهرها پیامدهای عمده ای داشت (Sassen,2018:41). فرایند جهانی شدن و جریانات موجد آن به عنوان عوامل بیرونی و امروزین موثر بر سیستم های شهری، نوع خاصی از این سیستم ها را طلب می کند که پویایی و تحرک بالای جریانات سرمایه و فناوری اطلاعات را پاسخگو باشد (Rafiyani & Farjam,2011:107). امروزه شهرها در عصر جهانی شدن عملکرد و حوزه نفوذ جهانی پیدا کرده اند. و فضاهاى شهری عرصه و تجلی گاه قدرت سیاسى و اجتماعى شده اند (Kamanroudi, Karami & Abdi, 2010: 10). از دهه ۱۹۸۰ به بعد اصطلاحاتی نظیر شهرهای جهانی، سلسله مراتب جهانی شهرها، شهرهای شبکه ای، شهر هوشمند و مانند اینها در کانون مباحث و تحقیقات مرتبط با جهانی شدن قرار گرفته است. زیرا جهانی شدن پدیده ای است که در شهرها اتفاق می افتد و شهرها مظهر و تجسم جهانی شدن هستند. فرایندهای جهانی منجر به تغییراتی در شهرها می شوند و شهرها نیز تغییرات جهانی را هضم می کنند و بر آن تاثیر می گذارند. پویاهاى شهری معاصر، نماد فضایی جهانی شدن هستند و دگرگونی ها و تغییرات شهری، فرایند جهانی شدن را بازآفرینی می کنند. تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی، اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و بازساخت شهرهای جهان برجای می گذارد (Short & Kim, 2005: 14). جهانی شدن جغرافیای ویژه ای دارد که مناطق کلان شهری را

به عنوان کانون توسعه برمی‌گزینند و امکان القاء یا احراز کارکردهای تازه‌ای را برای آنها بویژه در زمینه مدیریت فرایند تولید و ارائه خدمات عالی برای تولید کنندگان فراهم می‌آورد (Sarafi, 2015:73). امروزه نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه جهانی شهرها شکل می‌گیرد. تغییرات جهانی اقتصاد، فرهنگ و سیاست اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد. به تعبیر ساسن این کارکردها، نقش راهبردی نوینی را برای شهرهای مهم آفریده‌است. این دگرگونی‌ها در کارکرد شهرها، تأثیری چشمگیر هم بر فعالیت‌های بین‌المللی اقتصادی و هم بر شکل شهر داشته‌است: شهرها نظارتی متمرکز بر منابع عظیم دارند و در عین حال صنایع مالی و خدمات تخصصی، نظم اجتماعی و اقتصادی شهری را بازسازی می‌کنند. از این رو، گونه‌ای جدید از شهر پدید آمده است. یعنی شهرهای جهانی (Sassen, 2001:85). در واقع می‌توان به این ترتیب جمع‌بندی کرد که با وجود چند وجهی بودن تأثیرات جهانی شدن بر شهرها، اقتصاد جهانی بیشترین تأثیرات را بر شهرها داشته است. از نظر اقتصادی، شهرها در دوره جهانی شدن با کاهش و تغییر نقش صنایع در شهرهای صنعتی کشورهای پیشرفته و افزایش نقش آن در کشورهای در حال توسعه مواجه بوده‌اند. پاسیون ظهور شهرهای جهانی، صنعت زدایی و تضعیف شهرهای صنعتی قدیمی را از مهم‌ترین نتایج جهانی شدن اقتصاد در مقیاس شهری برمی‌شمارد (Pacione, 2001:285).

۲-۳. شهرهای جهانی

شهر جهانی همان‌طور که از اسم آن پیداست عبارت است از شهری که در سطح جهانی در یک حوزه خاص دارای اعتبار و اهمیت باشد. این اعتبار علاوه بر این که مستلزم دارا بودن امکانات زیربنایی و ارتباطی مدرن است، می‌تواند در یکی از حوزه‌های تأثیرگذار بر تعاملات بین‌المللی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مانند آن باشد. شهرهای جهانی بر اساس برخی مؤلفه‌ها مانند وجود یا عدم وجود دفاتر مرکزی شرکت‌های چندملیتی، تنوع فرهنگی، حجم مهاجرت و

گردشگری، وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و مواردی از این دست شناسایی شده- اند (Pourmousavi, Ghourchi & Rostami, 2012:42). امروزه شهرهای جهانی به مراکز قدرت اقتصادی، لجستیکی و سیاسی جهان تبدیل شده اند (Kourtita, Macharisb & Nijkampc, 2014:1). ساسکیا ساسن معتقد است نبض اقتصاد جهانی در شهرهای جهانی می‌تپد چرا که شهرهای جهانی تکیه گاه‌های مکانی تعاملات اقتصادی در سطح جهانی می‌باشند. سیستم شهری بین‌المللی با بررسی شهرهای جهانی دسته‌بندی شده بصورت سلسله‌مراتبی به یکدستی آنها با اقتصاد جهانی پی برده است به طور کلی می‌توان گفت که برای تعیین جایگاه تجاری یک شهر جهانی این مشخصه‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند: میزان استقرار مراکز شرکت‌های چندملیتی، موسسات مالی بین‌المللی، شرکت‌های حقوقی، مجتمع‌های تجاری و بورس‌ها، ظرفیت قابل توجه مالی و تولید ناخالص بالای شهری و منطقه‌ای، تامین سرمایه بازار و شاخص‌های بورس، ارائه خدمات مالی که همگی به نوعی بر اقتصاد جهانی اثرگذارند (Zarghani & Eskandaran, 2012:750-751). شهرهای جهانی در سطح جهانی در بطن فعل و انفعالات فراملی، جنبش‌های فرهنگی و داد و ستدهای اقتصادی هستند. این شهرها مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی اند و به‌عنوان نقاط ارتباطی جامعه جهانی و مکان‌های مهم تحولات اجتماعی و اقتصادی عرض اندام می‌کنند. جان فریدمن (۱۹۸۶) از این شهرها به‌عنوان نقاط کانونی اقتصاد جهانی تعریف می‌کند و شهرهای توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن، پاریس، زوریخ، روتردام و سائوپائولو به‌عنوان مراکز سطح اول سلسله‌مراتب شهری جهانی یاد می‌کند. وی همچنین شهر جهانی را مرکز فرماندهی و واقع شده در شبکه جهانی شهرها توصیف می‌کند. نیگل تریفت (۱۹۹۴، ۲۰۰۰) شهرهای جهانی را مراکز جوامع متشخص جهانی، تولید دانش می‌داند. همچنین وی (۲۰۰۱) به قدرت مستقل و بلامنازع این محیط‌های فرهنگی سرمایه اشاره می‌کند. در این راستا، شورت (۲۰۰۴) نیز اظهار می‌دارد که می‌توان گفت که شهرهای جهانی، مکان‌های شبکه‌های مترکم تماس بین فردی و مراکز انباشت سرمایه‌های اجتماعی و تجاری هستند. شورت (۲۰۰۴) اذعان دارد که یک شهر جهانی مقر و مظهر فضایی شدن ناهمگون جریان‌ها است که نظام‌های بانکداری و حوزه‌های تجاری و حقوقی را در خود

جای داده است. از نظر وی شهر جهانی منزل بسیاری از ملیت های متفاوت و قومیت هایی است که قبلاً ناشناخته بوده اند و گستره عظیمی از مهاجران معمولی و نخبگان تجاری را در خود جای داده اند (Short, 2004: 14). شهرهای جهانی مکان ها و موقعیت هایی هستند که از طریق آن ها مناطق وسیعی از جهان به فضای انباشت جهانی سرمایه می پیوندند. این شهر گره های اصلی شبکه محسوب می شوند که در عملکرد، هر اندازه یک گره در ساختار شبکه بتواند برخورد صمیمانه با سرمایه داشته باشد، سرمایه و شرکت های چند ملیتی را به سوی خود خواهد کشاند. تغییر در گره های شبکه، یعنی جابه جایی مکان های شهری و ظهور و سقوط آن ها در ساختار سلسله مراتب شبکه. از این رو، مکان ها به عنوان نقاط گرهی در ساختار شبکه و در رقابت با سایر گره ها، ممکن است در فضای جریان ها دچار ضعف شوند که پیامد آن به زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی و در نتیجه سقوط جایگاه منجر می شود (Ghourchi & Rostami, 2016: 360). به طور خلاصه شهرهای جهانی هم علت و هم معلول جهانی شدن فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستند.

۳-۳. شاخص های شناسایی شهر های جهانی

گروه پژوهشی جهانی شدن و شهرهای جهانی آدر دانشگاه لافبرو، اولین تلاش های نظامند را برای تعریف و طبقه بندی شهرهای جهانی در سال ۱۹۹۸ ارائه داد و هر ساله ضمن ارائه مقالات و کتب مختلف، رتبه بندی از شهرهای جهان بر اساس شاخص های تعیین شده ارائه می دهد. مانوئل کاستلز، ساسکیا ساسن، جان فریدمن، آلن جان اسکات، پیتر هال، جان رنای شورت، نایجل تریفت از جمله ی دیگر محققانی هستند که به رهبری پیتر تایلور در این حلقه مطالعاتی فعالیت می کنند. این گروه شهرهای جهانی را بر اساس میزبانی از تعداد شرکت های بزرگ چند ملیتی جهانی در چهار گروه شرکت های حسابداری، تبلیغات، بانکداری / بیمه، حقوق و مشاوره مدیریت معرفی می کند. رتبه بندی های اولیه این گروه که بر اساس داده های محدود بود اما در رتبه بندی شهرهای جهانی در سال ۲۰۱۸ بر اساس اطلاعات ۱۷۵ شرکت تولید گر خدمات

پیشرفته در ۷۰۷ شهر جهان صورت گرفته است. در این تقسیم بندی شهرهای جهانی به دو بخش شهرهای جهانی قطعی و شهرهایی که شواهدی دال بر شکل دادن به یک شهر جهانی دارند، معرفی می شوند. شهرهای جهانی قطعی بر اساس میزان خدمات ارائه شده در شهرها، به سه سطح آلفا، بتا و گاما تقسیم می شوند و شهرهای دارای شواهد دال بر شکل دادن به یک شهر جهانی معرفی شده اند. در جدول شماره ۱ مهمترین شهرهای گروههای آلفا، بتا، گاما و شهرهای دارای شواهد جهانی شدن نشان داده شده است (GaWC, 2018).

جدول ۱: مهمترین شهرهای جهانی رتبه بندی گروه GaWC در سال ۲۰۱۸

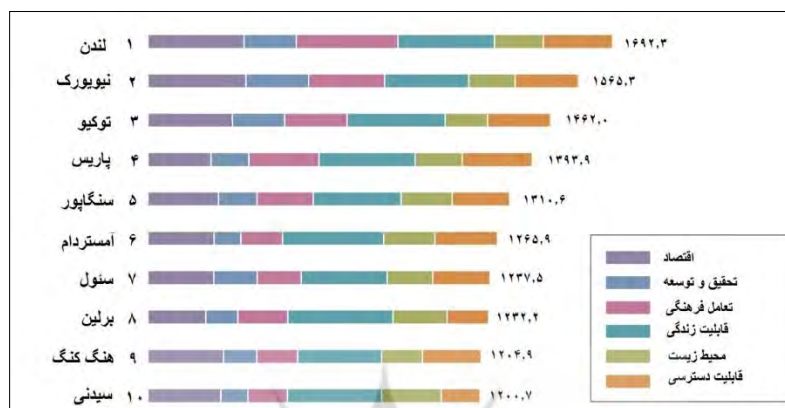
شهرهای آلفا	شهرهای بتا	شهرهای گاما	شهرهای دارای شواهد جهانی شدن
لندن	هوشی مین سیتی	گوآتمالاستی	ابیجان
نیویورک	بوستن	دیترویت	ادمونتون
هنگ کنگ	هامبورگ	لاهور	ازمیر
پکن	دوسلدورف	کلمبو	لاس وگاس
سنگاپور	تل آویو	آگرا	فلورانس
شانگهای	آتلانتا	مسقط	ساوتهمتون
سیدنی	آتن	حیدرآباد	داکار
پاریس	دوحه	آدلاید	لوزان
دبی	لیما	اوزاکا	هارتفورد
توکیو	بنگلور	روتردام	نانت
...

Source: The World According to GaWC2018, www.lboro.ac.uk/gawc

موسسه ای. تی. کرنی که یک موسسه پیشرو در زمینه خدمات مشاوره مدیریتی جهانی است بر اساس پنج معیار شهرهای جهانی را شناسایی می کند که عبارتند: (A.T. Kearney, 2018).
 ۱. فعالیت های تجاری (ستاد شرکت های عمده جهانی، شرکت های خدماتی، ارزش بازار سرمایه، تعداد کنفرانس های بین المللی، ارزش کالا از طریق بنادر و فرودگاه ها)

۲. سرمایه انسانی (اندازه جمعیت خارجی، کیفیت دانشگاه ها، تعداد مدارس بین المللی، جمعیت دانشجویان بین المللی، تعداد ساکنان با تحصیلات دانشگاهی)
 ۳. تبادل اطلاعات (دسترسی به کانال های تلویزیونی مهم تلویزیون، حضور اینترنتی (اساساً تعداد بازدیدهای جستجو)، تعداد دفاتر خبری بین المللی، سانسور، و نرخ اشتراک مشترکین)
 ۴. تجربه فرهنگی (تعداد رویدادهای ورزشی، موزه ها، مراکز هنری، مراکز آشپزی، بازدیدکنندگان بین المللی و روابط شهری شهر).
 ۵. مشارکت سیاسی (تعداد سفارتخانه ها و کنسولگری ها، مراکز تحقیقاتی، سازمان های بین المللی، کنفرانس های سیاسی)
- موسسه استراتژی شهری در بنیاد یادبود موری با ارائه شاخص قدرت جهانی شهر^۲، شهرهای جهانی را با ۶ گروه از شاخص ها شناسایی و رتبه بندی کی کند. این شاخص ها عبارتند از:
۱. اقتصاد (جذابیت بازار، ثروت اقتصادی، محیط تجاری، مقررات و ریسک)
 ۲. تحقیق و توسعه (زمینه تحقیق، آمادگی برای پذیرش و حمایت از پژوهشگران، دستاوردهای تحقیقاتی)
 ۳. تعامل فرهنگی (پتانسیل تربیتی، محیط اقامت، منابع جذب بازدید کننده، غذا و خرید، حجم تعاملات)
 ۴. قابلیت زندگی (محیط کاری، هزینه زندگی، امنیت و ایمنی، تسهیلات زندگی)
 ۵. محیط زیست (جمعیت، آلودگی، محیط طبیعی)
 ۶. قابلیت دسترسی (زیرساخت حمل و نقل بین المللی، زیرساخت حمل و نقل داخلی شهر) (MMF, 2018).
- این شش گروه شاخص به نوبه خود به ۷۰ زیر شاخص مختلف تقسیم می شوند که هر کدام از این شاخص ها دارای نمره می باشند. نمره نهایی تجمعی که هر شهر می تواند کسب کند حداکثر ۲۶۰۰ است.

شکل شماره ۱: شهرهای جهانی موسسه موری سال ۲۰۱۸



source: http://mori-m-foundation.or.jp/pdf/GPCI2018_summary.pdf

با نگاهی به شاخص های که توسط موسسات مختلف و معتبر جهانی برای شناسایی شهرهای جهانی شناسایی شده است فعالیت های اقتصادی از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار هستند در واقع فعالیت های اقتصادی در کانون عملکردهای شهرهای جهانی قرار دارند

۳-۴. سیاست تبدیل به شهر جهانی

امروزه، شناسایی شهرهای جهانی دیگر کار علمی و فکری صرف نیست، این امر به موضوع رقابت و کشمکش بین شهرهایی تبدیل شده است که در آرزوی دستیابی به چنین موقعیتی به اصطلاح «شهرهای جهانی احتمالی» هستند. «سیاست تبدیل به» شهر جهانی با اشاره به این ایده قابل توجه است که جهانی شدن، تکثیر مقیاس های سیاسی جغرافیایی و فضا مندی ها را بسط داده و راه را برای ظهور «محل های» مرکزی در حال ظهور هموار کرده است، حتی در نواحی جغرافیایی سابقاً پیرامونی و حتی حاشیه ای. آسیای شرقی در خط مقدم این فرایند قرار دارد: امروزه در بین جامعه متخصصین، توجه به شانگهای، سنگاپور و هنگ کنگ به عنوان

شهرهای جهانی که در حال رقابت با شهرهای جهانی محرز مثل لندن، توکیو، نیویورک هستند به شدت پذیرفته شده است. در این زمینه نخبگان سیاسی - اقتصادی محلی نسبت به این که شهرهای جهانی برجسته ترین تجلی عصر جهانی محسوب می شوند که از مرکزیت دولت-ملت ها به عنوان حوزه انحصاری مقررات سیاسی-اقتصادی فراتر رفته اند، آشنا هستند (Rossi & Vanolo, 2016:106). شهرهای در جستجوی جایگاه جهانی، برای عملکردهای سلطه و فرماندهی و نیز نمایش های بین المللی رقابت می کنند. یک راه حل و راهنمای خوب، با وجود اینکه خطاپذیر نیست، برای شهرهای در جست و جوی جایگاه جهانی این است که این شهرها به دنبال میزبانی بازی های المپیک تابستانی باشند. بازی های المپیک فقط فرصت و مجال برای نمایش های باشکوه و دستیابی به شناخت و شهرت بین المللی نیستند؛ بلکه فرصتی برای تجارت و داد و ستد و اقدام به انجام پروژه های عظیم توسعه شهری نیز هستند. اساساً شهرهای در جستجوی جایگاه جهانی، باید خودشان را به موثرترین شکل ممکن به استانداردهای بین المللی برسانند به این معنا که همه ویژگی های مربوط به شهر جهانی را داشته باشند. چنین پیش فرض ها و استانداردهایی در برگیرنده داشتن یک فرودگاه بین المللی و اینکه طراح ساختمان ها نام های بزرگ معماری باشند (همچون مایکل گریوز، آرتا ای سوزاکی، فلیپ جانسون، جان پورت من، ریچارد رگرز، آی ام پی، الدوروسی، جیمز استرلینگ)، وجود ساختمان های مرتفع و نیز وجود مجتمع های فرهنگی همچون فضاهای هنری و سالن های سمفونی است. ترکیب این عناصر همیشه و همواره یک راهبرد مفید و موثر بوده است. به کار گیری یک معمار معروف به منظور طراحی مجتمع های فرهنگی، همانند نمایشگاه هنری جیمز استرلینگ در اشتوتگارت، موزه هنرهای معاصر ای سوزاکی در لس آنجلس، هرم شیشه ای جلوی موزه لوور

Michael Graves
 Arta Isozaki
 Philip Johnson
 John Portman
 Richard Rogers
 J.M.Pie
 Aldo Rossi
 James Stirling

در پاریس، یکی از قدیمی ترین موزه های مشهور، که هنوز عظمت خود را حفظ کرده است. خانه موسیقی اپرا جورناتزون^۱ در سیدنی یک سیاست موثر و کاراست. ساخت این مجتمع های فرهنگی متضمن طرح های توسعه شهری است (Short & Kim, 2005: 139-140).

قرار گرفتن در موقعیت شهر جهانی هدفی جذاب است که به خصوص در شهرهای جنوب الزامی محسوب می شود، چراکه در آنجا نخبگان سیاسی-اقتصادی شهری، جهانی شدن را با فرهنگ جهان شهری، زندگی پر از هیاهوی شهری و نواحی احیا شده مرتبط می دانند، موضوعی که ظاهراً تصاویر منسوخ از محرومیت و ناامیدی را به چالش می کشد. در دو دهه اخیر، مجموعه ناهمگنی از شهرهای جهانی احتمالی از آتلانتا (که خود را شهر بین المللی آتی می نامد) تا ژوهانسبورگ (یک شهر آفریقایی در سطح جهانی)، هلسینکی (یک شهر بین المللی) و میامی (یک شهر واقعاً جهانی) تلاش کرده اند تا در صحنه جهانی حضور داشته باشند (Paul, 2005). در همین ارتباط، تکثیر اصطلاحات خاص شهر جهانی نشان دهنده گرایشی است که پیش از این، توسط دیوید هاروی در کتاب راهگشای وی درباره شرایط پست مدرن مورد تاکید قرار گرفته است. به همین ترتیب، از دست رفتن معنی و مفهوم به عنوان پیامدی از تولید مازاد تصاویر شهری نسبتاً یکسان که از شعار «پیوستن به اقتصاد جهانی» ناشی می شود. ویژگی مشخص جهانی است که تاکنون به طرز عمیقی با ظهور پدیده جهانی شدن تعریف شده است (Rossi & Vanolo, 2016: 107).

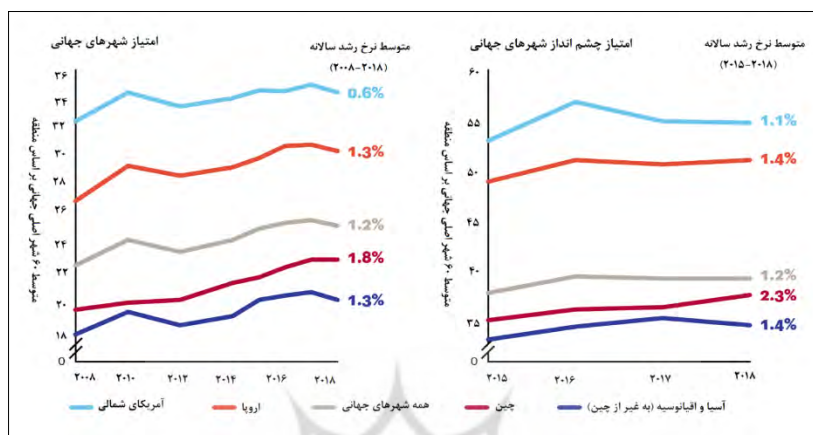
۳-۵. رقابت شهرها بر سر جایگاه شهر جهانی

جهانی شدن ضمن بین المللی کردن بازارهای جهانی، یک محیط کاملاً رقابتی ایجاد کرده که در آن واحد های اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقاء خواهند داشت (Farajirad, Ghorbaninejhad & Mehraban, 2017: 98). شهرها همواره بستر و هدفی برای جدال، مبارزه و رقابت بر سر کسب قدرت بوده اند (Kamanroudi, Karami & Abdi: 2010: 10). اقتصاد جهان که به طور فزاینده ای جهانی می شود و شدیداً رقابتی است امروز رقابت عنصری اساسی در رشد و پویایی یا زوال و

نابودی شهرها است. هایدن در دهه ۱۹۹۰ رقابت شدید بین شهرها را جنگ‌های مکانی نامید پژوهش گسترده رنه شورت نشان می‌دهد روابط میان شهرها ذاتا بر اساس رقابت و همکاری شکل گرفته است (Short, 2004: 38).

بر اساس چنین تحقیقاتی فرضیه رقابت بین شهری احتمالا از دو زمینه نشأت می‌گیرد؛ نخست، نظریه مکان مرکزی که بیشتر برای درک روابط بین شهری استفاده می‌شود و به مدل سیستم شهری ملی گسترش می‌یابد نمودار سلسله مراتب شهری فریدمن (۱۹۸۶) پیش زمینه‌ای برای بحث‌های رقابت شهری برای دو دهه بعد بود (Taylor, 2004: 23). از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد شهرها به تدریج استراتژی رقابتی را برای رقابت با سایر شهرها در برنامه ریزی شهری خود لحاظ کردند (Wuttke, 2011: 367). استراتژی‌های شهری ملی، امروزه بیش از پیش در پی استراتژی رقابت‌گرا هستند (OECD, 2007: 104). در حقیقت در عصر کنونی جهانی شدن، شهرها بیش از پیش ناگزیر از رقابت با همدیگر جهت ارتقای جایگاه جهانی خود هستند. توان رقابت موفق یک شهر در یک یا چند حوزه خاص می‌تواند تعیین‌کننده جایگاه آن در سلسله مراتب شهری جهانی باشد. اینکه شهرها در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی با هم رقابت می‌کنند، یک واقعیت برتر و مسلم است. شهرها ناگزیرند بیشتر در متن جهانی شدن رقابتی باشند. سیاستمداران به این امر عقیده دارند که اگر آن‌ها چنین چشم‌انداز و استراتژی بی‌داشته باشند، رقابت‌پذیری و ارتقای شهرهای شان را بهبود می‌بخشد (Thornley, 2016, 11). بررسی جایگاه شهرها در شبکه و سلسله مراتب شهرهای جهانی بیانگر رقابت شدید برای ورود به این شبکه و ارتقاء جایگاه در بین سلسله مراتب شهرها دارد. در یک دهه گذشته شهرهای چینی در این رقابت جهانی پیشتاز بوده‌اند. تعداد شهرهای چینی که در فهرست شهرهای جهانی قرار دارند از ۷ شهر در سال ۲۰۰۸ به ۲۷ شهر در سال ۲۰۱۸ رسیده است. چشم‌انداز شهرهای جهانی همچنین توجه خود را به شهرهای چینی افزایش داده است که از ۲۱ در سال ۲۰۱۵ به ۲۷ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است (شکل ۲).

شکل ۲: نرخ رشد شهرهای جهانی بر اساس منطقه جغرافیایی



Source: <https://www.atkearney.com/global-cities/2018>

۴. یافته‌ها

۴-۱. تبیین نقش نظام اقتصاد سرمایه داری در شکل‌گیری شهرهای جهانی

امروزه استراتژی‌های نئولیبرالی در روح و روان شهرها ریشه دوانده و قریب به اتفاق شهرها با مکانیسم‌های نظام سرمایه داری آمیخته شده‌اند و موجب شده است تا فضاهای شهری به صورت تنگاتنگ تحت تاثیر نیروهای سیاسی و اقتصادی بازتولید شوند که محملی برای روابط سرمایه داری باشد؛ لذا تولید فضا پدیده‌ای است در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش، سود، به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌داری (Imani, Rafieian & Dadashpour, 2016: 114). یکی از خصوصیات بنیادی نظام سرمایه‌داری ظرفیت بالای انباشت سرمایه و ثروت در آن است و این امر به گونه‌ای است که مارکس و همچنین انگلس منتقدان اساسی سرمایه داری نیز تلویحاً به عظمت آن اقرار کرده‌اند. حصول به سود در کنار انباشت سرمایه از خصوصیات تداوم و بقای نظام سرمایه داری است (Beckert, 2016: 328). در واقع انباشت سرمایه موتور محرکه توسعه و از جمله توسعه اقتصادی در نظام سرمایه داری است (Harvey, 2009: 28). که شهرها مفر اصلی این انباشت محسوب می‌شوند.

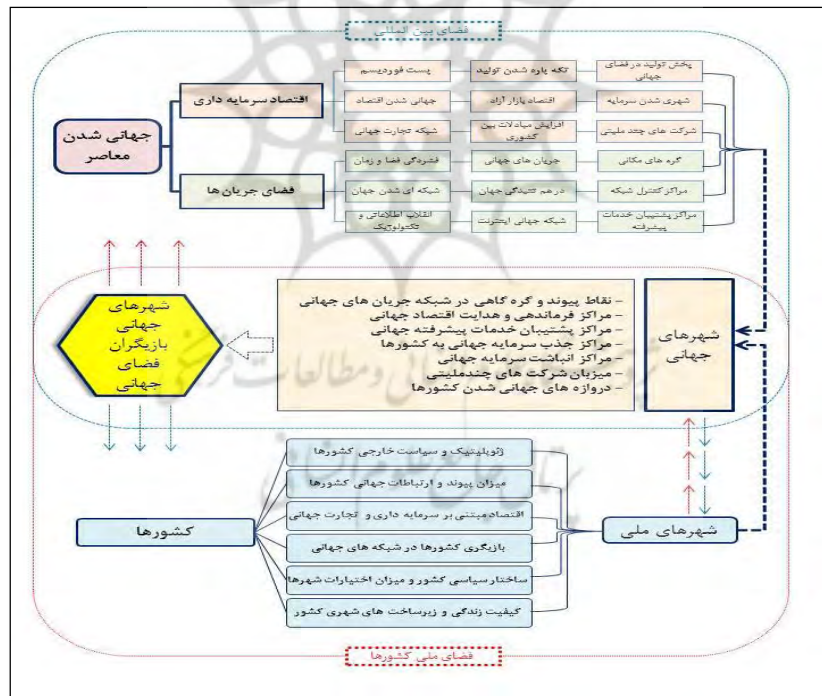
سرمایه‌داری ذاتاً بدنبال جهانی شدن است. بنابراین صرف نظر از آنکه نیازی به تعمیم دولت‌های اجتماعی به مدل‌های بین‌المللی باشد یا خیر، همواره می‌توان فرایند تحول در سرمایه‌داری را ذاتاً و منطقاً جهانی فرض نمود (Wallerstein, 2008: 122). که نیازمند بازتولید خود در شرایط متعدد بوده است سرمایه‌داری به دلایل زیادی از جمله نیاز به گسترش دائمی بازار برای محصولاتش در جستجوی تمام‌سطح کره زمین است. و از طریق استثمار بازارهای جهانی به هر کشوری یک ویژگی جهان‌شهری در مورد تولید و مصرف بخشیده است (Belant & Vilson, 2016: 99). تداوم سرمایه‌داری در سده بیستم، انعطاف در ساخت و بازسازی روابط فضا و اقتصاد جهانی است. سرمایه‌داری نوعی فضای جهانی را تولید کرده است که بازتاب آن داد و ستد در سطح ملی و بین‌المللی، و نیز قدرت پول و سیاست دولت است (Fornas, 2014: 17). این فضای انتزاعی به شبکه‌های اطلاعاتی وسیع بانکها، مشاغل و مزارع بزرگ تولید و نیز بزرگراهها، فرودگاهها و شبکه‌های اطلاعاتی وابسته است و به منظور تولید ارزش اضافی به کار گرفته می‌شود. سرمایه‌داری نه یک شیء بلکه یک فرآیند است (Harvey, 1990: 343). به باور لوفور، شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری برخلاف فئودالیسم و نمونه‌های دیگر که محلی باقی می‌ماند جهانی می‌شود. مسأله‌ی فضا را باید در همین مقیاس جهانی که عمل می‌کند، مورد جستجو قرار داد. شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری در واقع فضاهای جهانی را به وجود می‌آورد در کنار خلق فضاهای محلی و ملی فضای سیاسی که بر اقتصاد سایه افکنده و با آن تلفیق می‌شود. فضای اجتماعی و سیاسی در مقیاس جهانی پیوندهای محلی و ملی را با نیروهای مولد، با فناوری‌های پیشرفته (به ویژه فناوری‌های ارتباطی)، با روابط مالکیت (به ویژه روابط مالکیت دولت‌ها و قلمروهایشان)، با اشکال سازماندهی (به ویژه شرکت‌های چندملیتی)، با ایدئولوژی‌ها (به ویژه بازنمایی حریم هوایی، اطلاعات و ...) بازتولید و تشدید می‌کند. با ورود به هزاره سوم میلادی بسیاری از سازمان‌ها و تامین‌کنندگان آنها با شرایط رقابتی سخت و تنگاتنگ هم در سطح بازار جهانی که به سرعت در حال تغییر است مشتریان امروزی تقاضاهای بیشتر و جزئی‌تری داشته و به دنبال محصولات و خدمات ارزان‌تر، با کیفیت بالاتر و زمان تحویل سریعتر هستند. از نقطه نظر راهبردی این عوامل موجب ایجاد بازارها و رقبای جدیدتر شده و موجب سخت‌تر شدن

شرایط رقابت و سوددهی سازمان‌ها گردیده است. علاوه بر آن موجب تقویت سازگاری و انطباق سازمانی، انعطاف بیشتر و ایجاد سیستم‌های پیشرفته در زمینه ساخت و تولید، لجستیک و زنجیره تامین، مهندسی و سیستم‌های اطلاعات می‌شود. امروزه بسیاری از سازمان‌ها به منظور دستیابی به مزایای بیشتر به برون‌سپاری فعالیت‌های خود اقدام نموده و بهبود کیفیت محصولات و خدمات خود را مدنظر قرار داده‌اند. برون‌سپاری یکی از ویژگی‌های مهم نظام اقتصادی سرمایه داری معاصر است که منجر به پخش تولید در فضای جهانی شده است. اجرای برون‌سپاری از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی رشد بی‌سابقه‌ای در صنایع کشورهای غربی داشته است. حجم کل بازار جهانی برون‌سپاری در حدود ۳۸۶ میلیارد دلار تخمین زده شده و پیش‌بینی می‌شود با نرخ ۲۵ درصد در سال افزایش یابد. همچنین حدود ۸۰ درصد از ۵۰۰ شرکت برتر جهان در فهرست مجله فورچون، بخشی از فعالیت خود را برون‌سپاری کرده و روند برون‌سپاری در این شرکت‌ها در حال افزایش است. روند برون‌سپاری میان شرکت‌های اروپایی نیز از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ هر ساله رشدی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد داشته است (Elango, 2008: 322). برون‌سپاری فعالیت‌ها باعث شده است شرکت‌های بزرگ چندملیتی فعالیت‌های خود را در سطح جهانی پخش کنند. از بارزترین ویژگی‌های روند جهانی شدن، ظهور شرکت‌های موسوم به شرکت‌های چندملیتی هستند که پیش از آنکه کسی از جهانی شدن سخنی به میان آورد این شرکت‌ها، مرزهای ملی را درنوردیده و وابستگی میان دولت‌ها و کشورهای مختلف را به شدت افزایش داده‌اند. شرکت‌های چندملیتی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان قدرت‌های مسلط بر فن‌آوری، دسترسی به سرمایه در گردش و دارا بودن عنوان تجاری و شبکه توزیع جهانی مورد توجه بسیاری از دولت‌ها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته‌اند. این شرکت‌ها به گونه‌ای طرف مذاکره دولت‌ها واقع شده‌اند که چنانچه شرکت فراملی علاقه‌ای به مذاکره با برخی دولت‌ها بویژه دولت‌های در حال توسعه نداشته باشند. این دولت‌ها شانس کمی برای اجرای موفق برنامه‌های توسعه اقتصادی و توفیق در رقابت‌های آینده خواهند داشت. به عبارت دیگر، چنانچه شرکت‌های چندملیتی برای گذار از

دروازه های چنین کشورهایی تمایل نداشته باشند، این کشورها برای ادامه رقابت با دیگر کشورهای دارای سهم در بازارهای جهانی ناکام خواهند ماند. بنا بر این اهمیت فرایند دیپلماسی بین کشورها و شرکت های فراملی تنها یک وجه قدرت رو به افزایش شرکت ها و دیگر بازیگران غیر کشوری و متقابلاً کاسته شدن از اقتدار کشور در اقتصاد و جامعه جهانی است (Strange, 2015: 104). این شرکت های چند ملیتی شهرهای بزرگ و جهانی شده را برای فعالیت و استقرار خود بر می گزینند و یکی از مهمترین ویژگی های شهرهای جهانی استقرار بزرگترین شرکت چند ملیتی درون آنهاست. در اهمیت تاریخی شهر برای توسعه ی نظام سرمایه داری کافی است بگوییم که دیوید هاروی جغرافیدان و شهر شناس در کتاب «شهری شدن سرمایه: مطالعاتی پیرامون تاریخ و نظریه شهری شدن سرمایه داری»، با اتکا به قانون انباشت، فرایندهای انباشت سرمایه را به طور کامل بر بستر جغرافیای شهر یافته است. شهرها ضمن حاکمیت بر امپراتوری حوزه نفوذ خود و زهکشی مازاد اقتصادی، مدیریت و قانون انباشت سرمایه را بر عهده دارند. به عبارت دقیق تر محیط ساخته شده شهری یک کالای پیچیده متشکل از عناصر مختلف بی شماری است که هر یک از آنها در شرایط و طبق قوانینی کاملاً متفاوت ایجاد می شوند و به عنوان مجموعه ای در ارتباط با فرایندهای انباشت گر تولید، مبادله و مصرف عمل می کنند. به رغم تحولات فناوری جدید و امکان مانوری که برای صاحبان سرمایه د اثر این تحولات نوین پدید آمده، هنوز سودمندی سرمایه در تجمع و تمرکز جغرافیایی آن و عموماً در قانون شهرها جستجو می شود (Azimi, 2015: 35-39). ساسکیا ساسن تحولات پدید آمده در عصر جهانی شدن را نه تنها موجب تجدید تمرکز جغرافیایی فعالیت ها و عملکردها در شهرهای جهانی می داند بلکه این الگوی تمرکز را در شهرهای با مقیاس کوچکتر یعنی در شهرهای منطقه ای که آنها را گره های منطقه ای می نامد نیز عیناً تعمیم می دهد. پخش و انتشار سرزمینی فعالیت های اقتصادی که جهانی شدن یکی از وجوه آن است، به رشد متمرکز کارکردها و عملکردها یاری رسانده است. در شرایط ویژه ای که تسهیلات و امکانات از هر نظر قابل دسترسی اند، شرایط تجمع و تمرکز حرفه ای ترین کاربران در پیشرفته ترین مراکز ارتباط از

راه دور به خوبی فراهم می شود. در همین حال و به موازات آن ما شاهد تحقق همین فرایند تمرکز در شهرهایی هستیم که نقش گره های منطقه ای را بر عهده دارند. در سطح منطقه ای همین فرایند در مقیاس جغرافیایی کوچکتر و با سطح پیچیدگی نازل تری نسبت به شهرهای جهانی دیده می شود (Sassen, 2000, 2009). در نظام اقتصاد سرمایه داری با شهری شدن سرمایه و فرایند تولید سرمایه (Harvey, 2009) شهرهای جهانی مرکز انباشت سرمایه و مقر استقرار بزرگترین شرکت های چند ملیتی جهان هستند. در واقع نظام سرمایه داری برای تداوم انباشت سرمایه که یکی از اصول پایه ای حفظ و گسترش آن می باشد به شهرهای بزرگ با کارکرد جهانی نیاز دارد که تولید پخش شده در سطح جهانی مدیریت و فرماندهی شود (شکل ۳).

شکل ۳: مدل مفهومی شکل گیری و بازیگری شهرهای جهانی



۴-۲. تبیین نقش فضای جریان ها در شکل گیری شهرهای جهانی

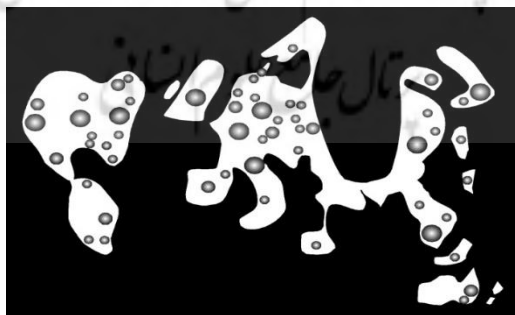
کاستلز استدلال می کند که تغییر اساسی در طبیعت فضا با جایگزینی فضای جریان ها به جای فضاهای سنتی رخ داده است. در جامعه شبکه ای مفاهیم زمان و مکان معانی تازه ای پیدا کرده اند که با معانی سنتی آن در جوامع ماقبل مدرن و یا حتی صنعتی تفاوت دارد. مکان با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و به این اعتبار، «حضور در مکان» معنای تازه ای به خود گرفته که می تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید (Castells, 2007:18).

فضای مکان ها جامعه را تا پیش از دهه ۱۹۷۰ تعریف می کند (Murry, 2014, 84). فضای مکان ها با تفکیک، جداسازی و شکل گیری مرزها تعریف می شود که در مقابل آن، فضای جریان ها با کنش های متقابل و پیوند ها، میان مکان ها خود را باز تعریف می کند. به عنوان مثال نقشه جغرافیای سیاسی جهان، و موزائیک دولت - ملت ها به همراه مرزهای سرزمینی بیانگر فضای مکان ها در مقیاس جهانی هستند (Ghourchi, 2012:56). فضای مکان ها، اساساً بر مبنای همجواری مناطق و کشورها تعریف می شود. در فضای مکان ها مناسبات بین الملل در حوزه سیاسی مبتنی بر حضور و میزان بازیگری هر کشور در عرصه بین الملل است که به دنبال خود مباحث اقتصاد بین الملل را در حوزه اقتصاد به همراه دارد. به طور کلی فضای مکان ها مبتنی بر تصور و چهارچوب موزائیکی از جهان متشکل از دولت - ملت های سرزمینی با مرزهای متصل است در حالی که فضای جریان ها با کنش های متعامل و وابستگی های متقابل پیچیده تعریف می شود (Mousavi, 2016:266). جامعه صنعتی در میان فضای مکان ها، و جامعه شبکه ای به عنوان فضای جریان ها شکل گرفته است. در این میان فضاهای بین المللی مکان ها توسط فضاهای فراملی جریان ها به چالش کشیده می شوند با این حال، مکان ها همچنان وجود دارند، پایانه های شبکه ها مهم هستند و توده های اقتصادی و اجتماعی خواه اطلاعاتی باشند، خواه به

هر شکل دیگری، همچنان جزء واکنش ها و ناقلان این جریان ها به شمار می روند. علاوه بر این ها پیش از ظهور جامعه شبکه ای، فضاهای جریان ها به طور مثال در تجارت بین الملل، مبادلات فرهنگی و یا تعاملات سیاسی وجود داشتند (Murry, 2014, 84). در قالب فضای جریانها و در درون شبکه، سرمایه با سیالیت فراوان و با سرعت و حجم زیاد، فارغ از محدودیت های ملی و سرزمینی از مکانی به مکان دیگر منتقل می شود. در این فضا انواع جریانهای سرمایه، اطلاعات، فناوری، ارتباط متقابل سازمانی و تصاویر، با سرعتی باور نکردنی و در واقع بدون محدودیت زمانی و مکانی در حال گسترش و تحمیل الزامات جهانی شدن، تفکر نئولیبرالیسم، توسعه و رفاه هستند. فضای جریانها با تکیه بر شبکه هایی از مدارات الکترونیکی به عنوان پایه جامعه اطلاعاتی، مکان های متفاوت را به هم پیوند داده است. نمود این پیوندها به صورت گره هایی در شبکه قابل تصور است که معمولاً در شهرهای جهانی تجلی و بروز می یابند. درک ماهیت، ابعاد و کارکرد فضای جریان ها، نشان می دهد که مسیر آینده جهان به کدام سو خواهد رفت و کدام ملت ها با چه مختصات و توانمندی هایی از نظر سلسله مراتب ثروت، قدرت و رفاه در قالب نظام فضای جریان های سرزمینی وضعیت مطلوبی خواهند داشت. کاستلز معتقد است، جامعه ما پیرامون جریانهای سرمایه، جریان های اطلاعات، جریان های تکنولوژی، جریان های ارتباط متقابل سازمانی، جریان های تصاویر، صداها و نمادها شکل گرفته است. بنابراین تکیه گاه مادی جوامع مجموعه عناصری خواهند بود که از این جریان ها حمایت می کنند و تحقق همزمان آنها را از نظر مادی امکانپذیر می سازد (Castells, 2007: 477). در چارچوب فضای جریانها هر گره ای بخشی از فرآیند تولید را در شبکه بر عهده دارد این گره ها که قسمت مهمی از معماری اقتصاد جهان را که بعد از بحران دهه ۱۹۷۰ در جهان ظهور کرد، شکل داده اند به عنوان شهر جهانی نشان داده می شوند (Ghourchi, 2012: 65). فضای جریان ها بر مبنای شبکه الکترونیک استوار است ولی این شبکه مکانهای ویژه ای را به هم متصل می کند که دارای ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی تعریف شده ای هستند. برخی مکان ها برای مبادله استفاده می شوند، یعنی محورهای ارتباطی که نقش هماهنگ کننده را در تعامل روان همه اجزای شبکه بازی می کنند. سایر مکانها، گره های شبکه، یعنی محل انجام امور استراتژیک

هستند که مجموعه ای از فعالیت ها و سازمان های مستقر در این مکان را پیرامون کارکردی کلیدی در یک شبکه ایجاد می کنند واقع شدن در گره ها را مکانی خاص به سراسر شبکه وصل می کند. گره ها و محورها هر دو بر اساس اهمیتی که در شبکه دارند به گونه ای سلسله مراتبی سازمان یافته اند. ولی این سلسله مراتب ممکن است بسته به تکامل فعالیت هایی که از طریق شبکه پردازش می شوند تغییر کند. در واقع، در برخی موارد مکانها ممکن است از شبکه خارج شوند و قطع ارتباط آنها با انحطاط سریع و به همین لحاظ زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آنها منجر شود. ویژگیهای گره ها به نوع کارکردهای هر شبکه بستگی دارد. تحلیل شهر جهانی به عنوان پایگاه تولید اقتصاد اطلاعاتی - جهانی نقش مهم این شهرهای جهانی را در جوامع ما نشان می دهد. ولی گذشته از شهرهای جهانی اصلی، سایر اقتصادهای قاره ای، ملی و منطقه ای نیز گره های خاص خود دارند که به شبکه جهانی متصلند هر یک از این گره ها نیازمند زیر ساخت تکنولوژیک مناسب، سیستم شرکت های جانبی که خدمات پشتیبانی را تامین می کنند، بازار نیروی کار تخصصی و سیستم خدمات مورد نیاز نیروی کار متخصص است (Castells, 2007: 477-478). فضای جریان ها در چهارچوب پیوندهای بی شمار اقتصاد جهانی، روابط و اتصالاتی که در طول فضا و به موازات اقتصاد اطلاعاتی نمود یافته و شکل گرفته است. در شکل ۴ پراکندگی جغرافیایی شهرهای جهانی در فضای جریان مشاهده می شود.

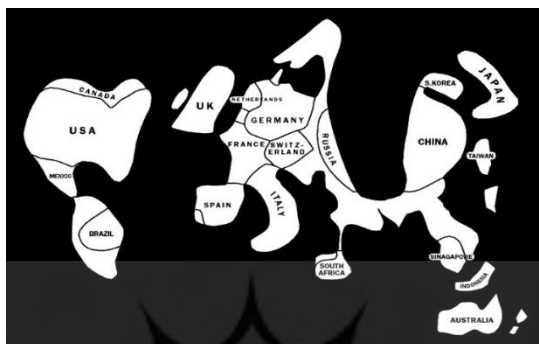
شکل ۴: پراکندگی جغرافیایی شهرهای جهانی



Source: <https://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb34.html>

در شکل ۵ جایگاه مناطق و کشورهای مختلف جهان در فضای جریان ها بر اساس تعداد شهرهای جهانی که درون کشورها قرار دارند نشان داده شده است.

شکل ۵: جایگاه مناطق و کشورهای جهان در فضای جریان ها



Source: <https://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb34.html>

همان طور که در تصویر مشاهده می شود کشورهای صنعتی و فراصنعتی بیشترین سهم را از جهان مبتنی بر جریان ها به خود اختصاص داده اند. آمریکای شمالی، اروپای غربی و شرق آسیا بیشترین مشارکت و سهم را در فضای جریان ها به خود اختصاص داده اند. حضور در فضای جریان از طریق شهرهای جهانی می تواند مبنای برای کسب قدرت و نفوذ ژئوپلیتیک باشد. به طور کلی شهرهای جهانی همچون ابزاری کاربردی برای کسب قدرت در فضای جهانی به شمار می روند.

۵. تحلیل و نتیجه گیری

دگرگونی هایی که در سه دهه اخیر، در ترکیب اقتصاد جهان و در بستر سرمایه داری رخ داده با چرخش به سوی خدمات و تامین مالی همراه بوده است این دگرگونی به شهرهای بزرگ به عنوان مکان برخی از فعالیتهای و کارکردهای ویژه، اهمیتی دوباره بخشیده اند. در مرحله کنونی، اقتصاد جهان دقیقاً آمیزه پراکندگی جهانی فعالیت های اقتصادی و یکپارچگی جهانی تحت شرایط ادامه تمرکز مالکیت و کنترل اقتصادی است که به نقش راهبردی برخی از شهرهای عمده کمک کرده است. این شهرها مکان های راهبردی مدیریت اقتصاد جهانی و تولید پیشرفته ترین عملیات خدماتی و مالی هستند. این مکان ها پایگاههای اصلی خدمات پیشرفته و فناوری های

ارتباط از راه دور بوده و برای اجرا و مدیریت عملیات اقتصادی جهانی ضروری هستند. شهرهای جهانی ذاتاً با ایجاد زیرساخت های فن آوری پیوند خورده اند که اساس چیزی را تشکیل می دهند که مانوئل کاستلز آن را «فضای جریان ها» می نامد. شهرهای جهانی به منزله تارهای مهمی هستند که بخشی از زیرساختار مادی این فضای جریان ها را در هم می تند. آن ها چونان مکان ها و نقاط فیزیکی هستند که فضای جریان ها را به جهان مادی پیوند می زنند. آن ها مکان خاص و غیر قابل جایگزینی فراهم می کنند که زیر ساختار اجتماعی و فن آوری را قادر می سازد سنگ بنای اصلی جهانی شدن را تشکیل بدهند. پیوند شهرهای جهانی با سرمایه داری مبتنی بر اطلاعات، به عنوان مراکز کنترل و فرماندهی و مکان شرکت های خدماتی تولیدی پیشرفته، ضرورتاً بر زیرساختار مادی مبتنی است که اقتصادی را تسهیل می کنند که ارزش در آن به نحو فزاینده ای از اطلاعات نشئت گرفته است. ظهور همزمان اشکال شبکه ای اطلاعات و فن آوری های ارتباطی در موفقیت سرمایه داری بنیادین بوده است. ترکیب و درهمتنیدگی نظام سرمایه داری و زیرساخت های تکنولوژیک عصر اطلاعات، فضا را برای انباشت هرچه بیشتر سرمایه فراهم کرد. انباشت سرمایه در واقع محور و موتور اصلی نظام سرمایه داری و توسعه معاصر است که شهرهای جهانی مکان و مقر اصلی آن به شمار می روند.

گذار از فوردیسم به پست فوردیسم و تولید انعطاف پذیر باعث تکه پاره شدن و پخش تولید در فضای جهانی شده است در این میان شهرهای جهانی به مقصد اصلی فرماندهی و میزبانی بزرگترین شرکت های چند ملیتی تولیدی و خدمات پیشرفته جهانی تبدیل شده اند. جهانی شدن اقتصاد و شکل گیری بازار آزاد جهانی باعث شکل گیری شبکه ای گسترده و درهم تنیده از مبادلات تجاری بین المللی شده است که سراسر جهان را در بر می گیرد. انقلاب تکنولوژیک و فناوری های اطلاعاتی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد زیر ساخت های فنی چنین ارتباطات گسترده جهانی را شکل داده است که فشردگی شدید فضا و زمان را سبب شده است. فضای جریان ها در چهارچوب پیوندهای بی شمار اقتصاد جهانی، روابط و اتصالاتی که در طول فضا و به موازات اقتصاد اطلاعاتی بنا شده است، نمود یافته و شکل گرفته است.

به طور کلی شهرها زیر سیستم ملی کشورها محسوب می شوند و بطور مستقل از کشورها نمی توانند وارد فضای جهانی و مقیاس فراملی شوند. شهرها برای جهانی شدن ابتدا باید به شهرهای قدرتمند در سطح ملی کشورهاشان تبدیل شوند سپس به واسطه و زیرساخت های که فضای سیاسی و ژئوپلیتیک کشور فراهم می کند به سطح بین المللی وارد می شوند. بر اساس مدل تحلیلی این پژوهش (شکل ۱)، در تبدیل شهرهای ملی به شهر جهانی و خارج شدن از پوسته فروملی و بازیگری در شبکه شهرهای جهانی شش عامل در ارتباط با نقش کشورها موثرند که عبارتند از: ژئوپلیتیک و سیاست خارجی کشورها، میزان پیوند و ارتباطات جهانی کشورها، اقتصاد مبتنی بر سرمایه داری و تجارت جهانی، بازیگری کشورها در شبکه های جهانی، ساختار سیاسی کشور و میزان اختیارات شهرها، کیفیت زندگی و زیرساخت های شهری کشور. شهرها وقتی تبدیل به شهر جهانی می شوند از طرفی پایگاه مکانی آنها درون فضای ملی کشورها قرار دارد و از طرفی در قالب فضای جریان ها و جامعه شبکه ای جهانی به عنوان یک گره مکانی در مبادلات و مناسبات جهانی به ایفای نقش می پردازند و به یک بازیگر جهانی تبدیل می شوند که در ارتباط با هم حجم عظیمی از اقتصاد و مبادلات جهانی را فرماندهی می کنند. قدرت گرفتن شهرهای جهانی باعث شده است به عنوان یک بازیگر سیاست و اقتصاد جهانی تبدیل شوند. در چنین فضایی کشورها در تلاشند برای بهره مندی از مزایای این شبکه عظیم ارتباطی بین شهری و بین کشوری نمایندگانی از خود را درون این شبکه وارد کنند. کشورهای که در جستجوی جهانی شدن و بازارهای جهانی هستند در تلاشند تعداد شهرهای بیشتری از کشور خود را وارد شبکه شهرهای جهانی کنند و از این طریق قدرت و جایگاه ژئوپلیتیکی بدست آوردند. در آخر به عنوان نتیجه گیری نهایی بایستی اشاره کرد که: شهرهای جهانی در بستر اقتصاد سرمایه داری معاصر به عنوان پایگاه مکانی پیوندهای جهانی در فضای جریان ها امکان ظهور و نقش آفرینی پیدا می کنند که در این فرایند زمینه های ژئوپلیتیک و جهت گیری دولت های ملی نقش بسیار تاثیر گذار ی دارد. کشورها با تکیه بر قدرت ملی می توانند در رقابت شهرهای خود در شبکه شهرهای جهانی و استفاده از فرصت های اقتصادی جهانی شدن معاصر تسهیل گر و کمک کننده باشند.

- میزان پیوندهای یک مکان شهری در شبکه شهرهای جهانی و رقابت جهت ارتقاء در ساختار سلسله مراتبی شبکه، سبب افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور در مناسبات فراملی می شود. بنابراین وجود فضای صلح آمیز و تعاملی یک کشور با سایر کشورها نقش مهمی در گسترش و توسعه فضای جریان ها در میان شهرهای آن کشور دارد.

۶. قدرتدانی

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل زمینه های ژئوپلیتیک جهانی شدن شهر بندرعباس» می باشد. لذا نویسندگان از حمایت های مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی کمال تشکر را دارند.



References

1. A.T. Kearney (2018). 2018 Global Cities Report, (Online version: from web site: <https://www.atkearney.com/global-cities/2018>).
2. Azimi, N (2015). Regional Planning City and Capital Accumulation, Mashhad, Nika Press. **[In Persian]**.
3. Beckert, J (2013). Capitalism as a System of Expectations: Toward a Sociological Microfoundation of Political Economy, Journal Politics & Society, Vol. 41 No. 3, Pp: 323-350. DOI: 10.1177/0032329213493750.
4. Belant, A, Vilson, J (2016). Dissident Geographies: An introduction toradical ideas and practice, Translated by Hossein hataminezhad, Tehran, University of Tehran Press. **[In Persian]**.
5. Castells, M (2007). The Rise of the Network Society, Translated by Ahmad Aliglian & Afshin Khakbaz, Tehran, Tarhe now Press**[In Persian]**.
6. ghahraman poor, Tehran, Tehran Urban Research & Planning Center Press. **[In Persian]**.
7. Elango, B (2008). Using Outsourcing for Strategic Competitiveness in small and medium-sized firms, International Business Journal of Competitiveness review, Vol.18, No.4, Pp: 322-332. DOI: 10.1108/10595420810920806
8. Farajirad, A, Ghorbaninejad, R & Mehraban, A (2017). Impact of Globalization on Convergence Enhancement in Cultural Territory of Nowruz, Geopolitics Quarterly, Volume 13, Issue 46, Pp: 93-120. **[In Persian]**.
9. Fornas, J (2014). Introducing Capitalism: Current Crisis and Cultural Critique,t Journal Culture Unbound, No. 6, Pp: 15-38.
10. GaWC (2018). The World According to GaWC 2018, (Online version: from web site: <https://www.lboro.ac.uk/gawc/world2018t.html>).
11. Ghourchi, M & khaniha, N (2016). The impact of the international organization of the Asian Mayors Forum cities on the formation of regional convergence, in book Writings about globalization global cities and the supranational role of cities Tehran, compilation bay Mortaza Ghourchi, Tehran, Tehran Urban Research & Planning Center Press. **[In Persian]**.
12. Ghourchi, M & Rostami, GH (2016). Strategic planning of competitive atmosphere replaces welfare-centered planning in global cities, in book Writings about globalization global cities and the supranational role of cities Tehran, compilation bay Mortaza Ghourchi, Tehran, Tehran Urban Research & Planning Center Press**[In Persian]**.
13. Ghourchi, M (2012). Explanation of World Cities Formation: Strategies for Evolution of Tehran to a World city, PhD Dissertation, Tehran: Tarbiat Modares University. **[In Persian]**.
14. Harvey, D (1990). The limits to Capital, Oxford, and Oxford University Press.

15. Harvey, D (2009). *The Urbanization of Capital: Studies in the History and Theory of Capitalist Urbanization*, Translated by ArefAqvami Moghaddam, Tehran, Akhtaran Press[**In Persian**].
16. Imani, J, Rafiean, M & Dadashpour, h (2016). Urban Speculation and Spatial Segregation (Analysis of Spatial Evolution of Tehran Metropolis in the Context of Oil-Based Economy), *Geopolitics Quarterly*, Volume 12, Issue 41, Pp.: 104-135[**In Persian**].
17. Kamanroudi, M, Karami, T & Abdi, a (2010). Philosophical-Conceptual Explanation of Political Geography of City, *Geopolitics Quarterly*, Volume 6, Issue 19, Pp: 9-44[**In Persian**].
18. Kourtita, k, Macharisb, c & Nijkampc, p (2014). A multi-actor multi-criteria analysis of the performance of global cities, *Applied Geography*, Vol.49, Pp: 24-36. DOI: 10.1016/j.apgeog.2013.09.006.
19. MMF (2018). *The Global Power City Index*, (Online version: from web site: http://mori-m-foundation.or.jp/pdf/GPCI2018_summary.pdf).
20. Mousavi, M (2016). Urban Diplomacy, in book *Writings about globalization global cities and the supranational role of cities Tehran*, compilation bay Mortaza Ghourchi, Tehran, Tehran Urban Research & Planning Center Press. [**In Persian**].
21. Murry, W (2014). *Geographies of Globalization*, Translated by jafar javan and abdollah abdollahi, Tehran, Chapar Press.[**In Persian**].
22. OECD (2007). *Competitive Cities: A New Entrepreneurial paradigm in Spatial Development*, OECD Territorial Reviews, Organisation FOR economic Co-operation and development, paris: OECD Publishing.
23. Pacione, M. (2001). *Urban Geography: a global perspective*, Routledge.
24. Paul, D.E. (2005). The local politics of going global: making and unmaking Minneapolis-st Paul as a world city, *urban studies*, vol.42, No. 12, Pp: 2103-2112.
25. Pourmousavi, M, Ghourchi, M & Rostami, G (2012). Geopolitical Explanation of World Metropolises; Reflecting the Conceptual Differences between the Global City and World City, *Geopolitics Quarterly*, Volume 7, Issue 21, Pp: 41-69.[**In Persian**]
26. Rafiyan, M & Farjam, R (2011). Globalization and its effect on world urban network structure, *Information Quarterly of Geopolitics*, Volume 7, Issue 22, Pp: 105-145. [**In Persian**].
27. Rossi, U & Vanolo, A (2016). *Urban Political Geographies A Global Perspective*, Translated by Ali valigholizadeh, Maragheh, University of Maragheh Press.[**In Persian**].
28. Sarafi, M (2015). The urbanization of the world and the globalization of cities, *Political & Economic Ettelaat*, No. 155-156, Pp: 164-167.[**In Persian**].
29. Sassen, S (2013). *Ephemeral Kingdoms, Eternal Cities*, The European. (Online version: from web site: www.theeuropean-magazine.com).
30. Sassen, S (2001). *The Global City*, second edition, Princeton University Press, New York, Tokyo, London.

31. Sassen, S (2011). A Sociology of Globalization, Translated by Masoud Karbassian, Tehran, cheshmeh Press. **[In Persian]**.
32. Sassen, S (2012). Beyond State-to-State Geopolitics: Urban Vectors Dominate, 2012 Global Cities Index and Emerging Cities Outlook, www.atkearney.com.
33. Sassen, S (2018). Cities in the global economy, Translated by Afshin Khakbaz, Tehran, Scientific and cultural publications Press. **[In Persian]**.
34. Short, J. R & Kim, Y.H (2005). Globalization and the City, Translated by Pantea lotfi kazemi, Tehran, Processing and planning of Tehran city Press. **[In Persian]**.
35. Short, J. R (2004). Global Metropolitan: Globalizing Cities in a Capitalist World, Routledge Publishers.
36. Short, J. R (2017). Global metropolitan globalizing cities in a capitalist world, Translated by Mehdi Davoodi, Tehran, Iranian Association of Geopolitics Press. **[In Persian]**.
37. Soja, W. E (2000). Post - metropolis, Critical Studies of Cities and Region, Blackwell.
38. Strange, S (2015). Political Economy and the changing global order, by Richard Stubbs and Geoffrey Underhill, New York: St, Martins.
39. Taylor, P. J (2004). World City Network: A Global Urban Analysis, London & New York: Routledge.
40. Taylor, P. J, Catalano, G. & Walker, D. R. F (2002). Measurement of the world city network, Urban Studies, Vol. 39, No.13, Pp: 67-76. DOI: 10.1080/00420980220080011.
41. Taylor, P.J, Walker, D.R.F & Szegner M.J (2001). A New Mapping of the World for the New Millennium, Geographic Journal, Vol.167, No. 3, Pp: 213-222. DOI: 10.1111/1475-4959.00019.
42. Thornley. A (2016). Urban planning and competitive advantage: London, Sydney and Singapore, London school of economics and political science, paper No. 2.
43. Wallerstein, I (2008). The emergence and fall of the future capitalist system, Translated by Behrooz Alishiri, Strategic Quarterly, No.15-16, Pp: 9-44. **[In Persian]**.
44. Wuttke, C (2011). From industrial enclaves to prototypes of the modern Chinese city: development zones in Guangdong, Christian wuttke, institute of geography, university of osnabruck, Germany.
45. Zarghani. H, Eskandaran. M (2012). World Cities in Urban Geopolitics and Urban Diplomacy, 5th Congress of the Iranian Association of Geopolitics. **[In Persian]**.